

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۲۸ - دلالت این آیه و آیه ۱۱ غافر بر برزخ
تاریخ: ۱۶ دی ۱۳۹۷
مصادف با: ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۴۰
جلسه: ۲۸

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

دلالت این آیه و آیه ۱۱ غافر بر برزخ

دیروز درباره تفاوت دو آیه ۲۸ سوره بقره آیه ۱۱ سوره غافر یا همان مؤمن مطالبی را عرض کردیم و وعده دادیم که درباره دلالت این آیات بر عالم برزخ بحث کنیم. با این که تفاوت‌های این دو آیه مشخص شد، اما همانطور که گفتیم سیاق این آیات نزدیک به هم است و در عین حال هر دو می‌توانند دلالت بر عالم برزخ داشته باشند.

دلالت آیه ۱۱ غافر بر برزخ

اما اینکه آیه ۱۱ سوره غافر چگونه دلالت بر برزخ می‌کند، با توجه به این که در این آیه دو اِماتِه ذکر شده یعنی دو میراندن برای انسان‌ها؛ قهراً اِماتِه اول همان مرگی است که بواسطه آن انسان از عالم دنیا خارج می‌شود. حال اگر بخواهیم یک اِماتِه دیگر بعد از این اِماتِه تصویر کنیم، چاره‌ای نیست جز این که بین این دو اِماتِه حیاتی متصور باشیم و بعد جز این از آن حیات میراندن دوم صورت بگیرد. قهراً بین این دو اِماتِه که اولی برای خارج شدن از دنیا و دومی برای ورود به عالم قیامت است، چاره‌ای نداریم جز اینکه یک حیاتی در این بین تصویر کنیم که این حیات همان حیات برزخی است. وقتی می‌فرماید «رَبَّنَا اٰمَنَّا اٰثْنَتَيْنِ» یعنی دو اِماتِه را بیان می‌کند که لازمه اِماتِه دوم بعد از اِماتِه اول وجود حیات برزخی است و الا اگر قرار بود که حیات برزخی نباشد دیگر اِماتِه معنا نداشت؛ اِماتِه مسبوق به حیات است، یعنی موجودی دارای حیات باشد و او را بمیرانند و بعد اِحیاء شود و وارد آخرت شود و لذا دلالت این آیه بر حیات برزخی روشن است.

دلالت آیه ۲۸ بقره بر برزخ

اما در مورد دلالت آیه ۲۸ سوره بقره باید دید که این آیه چگونه دلالت بر حیات برزخی دارد. در این آیه همانطور که دیروز گفتیم، دو اِحیاء ذکر شده اما دو اِماتِه نیست؛ یک موت است و یک اِماتِه، چون می‌فرماید «كُنْتُمْ اَمْوَاتًا فَاَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ». در این آیه بعد از جمله «ثُمَّ يُحْيِيكُمْ» می‌فرماید «ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُونَ». اگر بجای «ثم» کلمه «واو» می‌آورد و می‌فرمود «وَ اِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»، قهراً معنای آیه این می‌شد که سپس شما را زنده می‌کند و بعد به سوی او باز گردانده می‌شوید؛ ولی به جای کلمه «واو»، «ثم» آورده شده و همانطور که می‌دانید ثم در جایی بکار می‌رود که یک فاصله‌ای بین ما قبل و ما بعد باشد، یعنی پس از یک مدتی به سوی او باز گردانده می‌شوید. این خودش دلالت بر ثبوت برزخ دارد چون از

این آیه بدست می‌آید که بین زنده شدن و بازگشت به سوی خدا یک فاصله افتاده و این فاصله حیات برزخی و عالم برزخ است.

پس هم آیه یازدهم سوره غافر و این آیه دلالت بر حیات برزخی دارند. با توجه به این مطالب معلوم می‌شود اینکه برزخی انکار کردند دلالت آیه محل بحث را بر حیات برزخی و عالم برزخ، سخن درستی نیست. منکرین یعنی کسانی که انکار می‌کنند که این آیه دلالت بر حیات برزخی و عالم برزخ ندارد، یک بیانی دارند که آن را ما عرض می‌کنیم و بعد باید دید که درست است یا نه.

استدلال منکرین دلالت دو آیه بر برزخ

ادعای اینها این است که ما در اینجا دو آیه داریم یکی « كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ^۱»، و دیگری « قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ^۲». می‌گویند که سیاق این دو آیه یکی است و هر دوی اینها دلالت می‌کنند بر دو مرگ و دو حیات. آیه و کنتم امواتاً ظهور در این دارد که مقصود از مرگ اول همان وضعیت انسان قبل از نفخ روح و زنده شدن در این دنیا است، آنوقت می‌گویند که منظور از موت و حیات در هر دو آیه موت قبل از زندگی دنیایی و حیات دنیایی است و منظور از موت و حیات دوم در هر دو آیه موت دنیایی و زندگی آخرتی است. دقت کنید، می‌گویند ما در هر دو آیه دو مرگ و دو زندگی داریم، مرگ اول قبل از نفخ روح است و حیات اول آمدن به این دنیا است؛ مرگ دوم وقتی است که انسان از این دنیا خارج می‌شود و حیات دوم هم حیات اخروی است و این ربطی به برزخ ندارد چون هر دو یک سیاق دارند و مقصود از اِماتِه و اِحْيَاء در هر دو آیه هم معلوم است و لذا هیچ کدام از این دو آیه دلالت بر برزخ ندارد.

پاسخ به استدلال منکرین

با توجه به مطالبی که در جلسه گذشته و تفاوت بین این دو آیه و تطبیق بین موت و اِماتِه و اِحْيَاء در هر دو مرحله‌اش ذکر کردیم و نیز با ملاحظه آنچه که امروز در کیفیت دلالت این دو آیه بر حیات برزخی گفتیم، اشکال سخن منکرین و خطای آنها آشکار می‌شود. چون ما اولاً گفتیم که این دو آیه با این که قریب به هم هستند، ولی تفاوت هم دارند و تفاوتشان هم این است که در آیه ۲۸ سوره بقره یک مرگ است و یک اِماتِه و دو اِحْيَاء؛ و منظور از موت هم در «کنتم امواتاً» یعنی شما قبل از این که نفخ روح شوید، علقه، مضغه و نطفه بودید که کانه «لم تکن شیئاً» او «لم یکن شیئاً مذکوراً» منظور از حیات هم ورود به زندگی دنیایی است. اما در آیه دوم اِماتِه آن وقتی است که اینها از عالم دنیا خارج می‌شوند و وارد یک عالم دیگری می‌شوند.

۱. سوره بقره آیه ۲۸.

۲. سوره غافر آیه ۱۱.

پس چون موت در آیه ۲۸ سوره بقره غیر از اِماتِه اول در آیه ۱۱ سوره غافر است، ما باید آیه ۱۱ سوره غافر را به نحوی معنا کنیم که دو مرگ و دو حیات از او استفاده شود. قطعاً موت اول در آیه محل بحث ما با اِماتِه اول در آیه ۱۱ غافر فرق دارد. این اولین اختلاف بود در حالی که منکرین این‌ها را یکی گرفتند و موت اول در آیه ۲۸ را با اِماتِه اول در آیه ۱۱ سوره غافر با هم مرتبط کرده‌اند. این اولین اشکال به کلام اینها بود چون اینها اصلاً با هم مرتبط نیستند و اگر ما غیر از این معنا کنیم، دو اِماتِه و دو اِحیاء مصداق ندارد علاوه بر این که اگر بخواهد از موت قبل از این دنیا اِماتِه تعبیر شود، لازمه‌اش یک حیات قبل است، چون ما در فرق بین موت و اِماتِه گفتیم که در دو جهت بین اینها فرق است، یکی از جهت استناد موت به فاعل و دیگری از جهت سبق حیات است. حداقل در آیه موضوع بحث ما این دو جهت بیان نشده است.

بر این اساس در اِحیاء هم فرق وجود دارد، چون ما در آیه ۱۱ سوره غافر اِحیاء اول را باید به زنده شدن بعد از مرگ بزنیم، چون منظور از اِماتِه، موت قبل از دنیا نیست بلکه مقصود از اِماتِه، موت در این دنیا است برای خارج شدن از این دنیا. پس اِحیاء اول به جهت اینکه اِماتِه اول مربوط به این دنیا و برای خارج شدن از این دنیا است، باید ناظر بر یک حیاتی بعد از مردن در این دنیا باشد که آن حیات برزخی است و منظور از اِحیاء اول در سوره غافر این است که بعد از آنکه شخص در این دنیا مرد و از این دنیا خارج شد، زنده می‌شود و یک حیاتی پیدا می‌کند که این حیات همان حیات برزخی است و این حیات دوباره یک میراندنی در پی دارد؛ میراندن دوم می‌شود پایان حیات برزخی و اِحیاء می‌شود ورود به عالم آخرت و ابتداء قیامت و «إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» غایت و نهایت قیامت است.

پس چگونه ما می‌توانیم بگوییم هر دو آیه دلالت بر حیات برزخی ندارند؛ بحث در دلالت این دو آیه هست نه این که رأساً بخواهند برزخ را انکار کنند بلکه می‌گویند از این دو آیه حیات برزخی و عالم برزخ استفاده نمی‌شود چون اینها می‌گویند در دو آیه دو موت و دو حیات ذکر شده و گمان کردند که موت اول موتی است که قبل از این دنیا است و اِحیاء هم برای ورود به این دنیا است، موت دوم هم مرگ در این دنیا و خروج از این دنیا است و اِحیاء دوم هم همان اِحیائی است که برای ورود به قیامت صورت می‌گیرد. اینها یک چنین برداشتی از این دو آیه کردند و لذا گفتند که هیچ کدام دلالت بر عالم و حیات برزخی ندارد. اما ملاحظه فرمودید که اگر در این دو نکته تأمل شود به خوبی پاسخ منکرین معلوم می‌شود؛ یکی این که اساساً موت و حیات در این دو آیه بر هم منطبق نیست و هر کدام ناظر به یک مرگ و زندگی است. نکته دیگر این که شما کیفیت دلالت هر دو آیه را بر عالم برزخ ملاحظه فرمودید که از این دو آیه چگونه می‌شود برزخ را برداشت کرد. آنگاه چطور ما می‌توانیم بگوییم این دو آیه دلالت بر حیات برزخی ندارد. این نکته‌ای بود که لازم بود درباره‌اش سخن گفته شود.

«والحمد لله رب العالمین»